

نامه‌ی ایران
(دفتر سوم)

سفرنامه ایران و ورارود او و ا کاگه آکی (کاکو)

(۱۱۲۱ م. ق. / ۱۹۱۰ م.)

بخشی از کتاب
چهل هزار فرسنگ از شمال به جنوب جهان

ترجمه

دکتر هاشم رجب‌زاده

کینجی نه‌او‌را



آثار ملی

سرشناسه	: اوبا، کاکو، ۱۸۷۲ م. - Ōba, Kākō
عنوان و نام پدیدآور	: سفرنامه ایران و ورارود اوبه کاگه آکی (کاکو) (۱۳۲۸ ه.ق. / ۱۹۱۰ م.) : بخشی از کتاب چهل هزار فرسنگ از شمال به جنوب جهان / ترجمه هاشم رجبزاده، کینجی نه‌اورا.
مشخصات نشر	: تهران: طهوری، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۰ ص.؛ مصوب، جدول.
فروست	: نامی ایران؛ دفتر سوم.
شابک	: 978-600-5911-26-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی:
	: A Travelogue the trip to Iran and the transoxiana Travels of Kāgeāki. (Kākō) Ōba, (1910)
موضوع	: اوبا، کاکو، ۱۸۷۲ م. - سفرها - ایران
موضوع	: سفرنامه‌های ژاپنی
موضوع	: ایران - سیر و سیاحت - قرن ۱۳ ق
موضوع	: ایران - اوضاع اجتماعی - ۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق.
شناسه داده	: رجبزاده، هاشم، ۱۳۲۰ - مترجم
شناسه افزوده	: نه‌اورا، کینجی؛ مترجم
شناسه افزوده	: Ōba, Kākō
زده بندی کنگره	: ۱۳۷۹ / انف / DSR
زده بندی دیویی	: ۹۵۰ / ۲۴۵۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۸۱۰۰

ایران و ترک‌های است از:
A TRAVEL TO
THE TRIP TO
AND
THE TRANSOXIANA
Travels of Kāgeāki (Kākō) Ōba
(1910)



آرشیو ملی

شماره ۱۳۰۴، خیابان انقلاب، صندوق پستی ۶۴۸ - تهران

تلفن ۶۶۴۰۶۳۳۰ - ۶۶۴۸۰۰۱۸

سفرنامه ایران و ورارود

اوبه کاگه آکی (کاکو)

ترجمه هاشم رجبزاده - کینجی نه‌اورا

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۳

چاپ دیجیتال - تیراژ: ۵۵۰ نسخه

امور فنی و ناظر چاپ: بهروز مستان

صفحه‌آرایی: علم روز

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۱۱-۲۶-۸ 978-600-5911-26-8

حق هرگونه چاپ و انتشار برای انتشارات طهوری محفوظ است

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه ترجمه فارسی
۲۶	مقدمه می‌یاکه مستوریوه
۳۱	مقدمه نویسنده سفرنامه

متن سفرنامه

بخشی از کتاب چهل هزار فرسنگ از شمال جنوب ۲۵

۳۷	۱- وضع ایران در این سال‌ها
۴۱	۲- فعالیت آلمان در ایران
۴۲	۳- قدرت و نفوذ روسیه
۴۴	۴- دیدار با وزیرمختار ایران در سن پترزبورگ
۴۷	۵- پاییز در سواحل دریای خزر
۵۳	۶- توقف در باکو؛ وحشت از قرنطینه در ایران
۵۶	۷- با همسفران در کشتی
۵۸	۸- سختی قرنطینه
۶۲	۹- بندر انزلی [ورشت]
۶۳	۱۰- سه جاده مهم تهران به شمال ایران
۶۵	۱۱- از رشت تا تهران

- ۶۷..... ۱۲- دنباله راه رشت به تهران.....
- ۶۸..... * منجیل.....
- ۶۹..... ۱۳- چاپارخانه‌های مشرق‌زمین.....
- ۷۱..... ۱۴- صبح عزیمت و منزل غروب.....
- ۷۳..... ۱۵- گردش در قزوین و ورود به پایتخت.....
- ۷۵..... ۱۶- پایتخت مملکت شیروخورشید.....
- ۷۷..... - جمعیت و طوایف.....
- ۸۰..... ۱۸- خاندان‌های ایران.....
- ۸۱..... ۱۹- زمین‌های ایران.....
- ۸۴..... ۲۰- استعداد و توانایی‌های زنان.....
- ۸۶..... ۲۱- دیدار از وزارتخانه‌های ایران.....
- ۹۰..... * روزنامه‌ها.....
- ۹۰..... ۲۲- ممالک بزرگ و طرح کلی راه‌های ایران.....
- ۹۳..... ۲۳ و ۲۴- احوال دینی ایران.....
- ۹۵..... ۲۵- تجارت خارجی.....
- ۹۶..... ۲۶- به‌سوی آسیای میانه؛ از تهران تا مازندران.....
- ۹۸..... * طبیعت مازندران و طبع و خوی مردم آن.....
- ۹۹..... ۲۷- به‌سوی آسیای میانه؛ آمل، بارفروش و مشهدسر.....

پیوست‌های سفرنامه ایران ۱۰۳

پیوست ۱

- ۱۰۵..... راه‌ها و حمل‌ونقل؛ آلمان و روسیه؛ قوه نظامی و روابط با ممالک بزرگ.....
- ۱۰۵..... ۱- خطوط آهن و راه‌های شوسه.....
- ۱۱۰..... ۲- توفیق آلمان و ناکامی روسیه.....
- ۱۱۴..... ۳- قوه نظامی و روابط سیاسی با ممالک بزرگ.....

پیوست ۲

سرحد شمال غرب افغانستان ۱۱۹

(مقاله منتشر شده در مجله «ژاپن و ژاپنی‌ها»

(نیهون آیوبی نیهون جین) شماره ماه مارس ۱۹۱۱)

سفرنامه و رازود ۱۲۵

- شهری در ساحل شرقی دریای خزر ۱۲۵ • سفر اتباع بیگانه در ماوراءالنهر ۱۲۸
- ریگ بایان و سوزان ۱۳۰ • سفر با قطار در آسیای میانه ۱۳۳ • تاریخچه
- ساحل شرقی دریای خزر ۱۳۵ • عشق آباد ۱۳۸ • طایفه‌های کنار آمودریا ۱۴۱
- نواحی همجوار افغانستان ۱۴۲ • امارت خمان بخارا ۱۴۸ • سمرقند ۱۵۱
- دیدنی‌های سمرقند ۱۵۲ • تاریخچه سمرقند و بقایای تاریخی ۱۵۸ • ورود
- به تاشکند ۱۶۱ • دیدنی‌های تاشکند ۱۶۴ • خط آهن اورنبورگ ۱۶۷

فهرست تصویرها

- ۳ * روی جلد سه نامه اوهانگه آکی.....
- ۴ * نقشه ایران در سفرنامه اوهانگه آکی.....
- ۵ * نقشه خط آهن سراسری آسیای میانه در سفرنامه اوهانگه آکی.....
- ۴۶ * روایت سفر ایران در گذرنامه اوهانگه آکی.....
- ۵۰ * سفارش نامه ای که وزیر مختار ایران در روسیه برای اوهانگه آکی به مأموران سرحدی نوشت.....
- ۸۸ * منشی ها در وزارت امور خارجه ایران در حین کار.....
- ۹۰ * جلسه دیدار و مذاکره مقام های ایرانی و نمایندگان روسی در تهران.....
- ۱۴۰ * خرابه مسجد کهنه در عشق آباد.....
- ۱۴۲ * چادر نشینان ترکمان کنار آمودریا.....
- ۱۴۷ * بقایای قلعه مرو.....
- ۱۵۰ * گور خان بخارا در بخارای کهنه.....
- ۱۵۲ * بقعه شاهزنده در سمرقند.....
- ۱۵۷ * گور تیمورلنگ معروف به گور میر در سمرقند.....
- ۱۵۹ * شیردر، مسجدی در سمرقند؛ از بناهای تیموری.....
- ۱۶۱ * بقعه بی بی خانم در سمرقند از مجموعه بناهای تیموری.....
- ۱۶۶ * بنایی در کوه های اورال که نشانه مرز میان آسیا و اروپا است.....

مقدمه ترجمه فارسی

کاگه آکی اویا، که نوشته‌هایش بیشتر به نام قلمی خود، کاکو، منتشر می‌کرد، به سفر و دیدن سرزمین‌های اقلیم‌های گونه‌گون جهان شوقی پایان‌ناپذیر داشت؛ و با آنکه خود گفت که سفرهایش بیشتر از شمال تا جنوب (رود آمو در سیبری تا ملبورن در استرالیا) بوده و در سوی غرب فقط تا دریاچه‌ی بایکال رسیده، اما کتاب معروفش «چهل هزار میل سفر از شمال تا جنوب» گویا است که بسیاری از سرزمین‌های دیگر چهارگوشه‌ی عالم دیده است. او خبرنگاری پیشه کرد تا کار و حرفه را با آن سفرهای دور و دراز که همیشه در دل داشت همسو کند، و شرح دیده‌ها و شنیده‌ها را برای روزنامه‌ی کوکومین (ملت) در توکیو می‌فرستاد؛ و پس از آن حاصله و فراغتی می‌یافت این گزارش‌ها را به هم می‌پیوست و کتاب را بر آن می‌ساخت. اویا در کتاب معروفش «چهل هزار فرسنگ سفر از شمال تا جنوب» به شرح و وصف کشورهای پیشرفته نپرداخت، زیرا که می‌دید که بسیاری کسان دیگر درباره این سرزمین‌ها نوشته‌اند؛ و می‌خواست از اقلیم‌هایی که برای ژاپنی‌ها ناشناخته است بنویسد. پس تلاش و تمرکز خود را بیشتر متوجه اقیانوسیه (استرالیا) و جنوب آفریقا و امریکای لاتین کرد، و نیز ماوراءالنهر را که قدیم‌ترین خاستگاه تمدن می‌دانست از نزدیک دید؛ و در

همین گشت و گذار بود که به ایران سفر کرد. او شرح این سفر خود را که در تابستان سال ۱۹۱۰ از روسیه آغاز کرد و ایران و ماوراءالنهر را گشت در بهره‌ای از کتاب «چهل هزار میل سفر از شمال تا جنوب جهان» (به ژاپنی نانبوگو یومان ری) نوشته است.



منابع موجود، از زندگی او با آگاهی اندکی به دست می‌دهد. او در سال ۱۸۷۲ در نوئ (شیمونوسه کی کنونی) در ایالت یاماگوچی به دنیا آمد. پس از نهفتن تندرست و اصلاحات دوره میجی که از سال ۱۸۶۸ آغاز شد، و در نوجوانی، به توکیو رفت؛ و مدرسه ابتدائی را در این جا به پایان رساند؛ و سپس با کسب مدرک کار پادوئی توانست در کلاس‌های شبانه انگلیسی و روسی یاد بگیرد. در سن ۱۸۹۰ به شهر ولادیوستک روسیه رفت و در تجارتخانه‌ای کار مترجم گرفت و پس از مدتی به ژاپن برگشت و به تدریس زبان روسی در کلاس‌های بیروزی زمینی و مترجمی زبان روسی در ستاد کل ارتش ژاپن پرداخت. در سال ۱۹۰۶ دیگر بار به ولادیوستک رفت؛ اما در این جا به علت وابستگی‌اش به حزب انقلاب روسیه دستگیر و مدتی زندانی شد. در همان سال به ژاپن بازگشت. در کار خبرنگاری برای روزنامه اوساکا ماینچی شروع به فعالیت کرد. در حدود سال ۱۹۰۲ سفرهای مکرر را به مسکو و اروپا آغاز کرد، و نیز در سمت خبرنگار به استرالیا، فیلیپین، امریکای جنوبی و آسیای میانه سفر کرد. سپس به روزنامه توکیو آساهی پیوست، و در سال‌های جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) گزارش‌های خبری از خطوط جبهه به ژاپن می‌فرستاد؛ و در همین مأموریت در سال ۱۹۱۷ در سن پترزبورگ به انقلاب نوامبر (که در جریان آن بلشویک‌ها در ۷ نوامبر ۱۹۱۷ در پتروگراد حکومت را به دست گرفتند، که در تقویم قدیم روسی مصادف با ماه اکتبر بود و به همین علت به انقلاب اکتبر معروف شد) برخورد، و گزارش رویدادهای آن را به ژاپن می‌فرستاد.

پس از آن به دعوت روزنامه توکیو آساهی سردبیری این نشریه را پذیرفت. در همین سال‌ها به نهضت‌های سوسیالیستی گرایش یافت، و در سال ۱۹۲۱ به عنوان خبرنگار ویژه روزنامه یومیوری به سبیری رفت؛ و پس از آنکه از چیتا در جنوب شرقی سبیری گزارش‌هایی به ژاپن فرستاد چند ماه به ژاپن آمد، و سرانجام نیز در سال ۱۹۲۲ سازمان امنیت روسیه (جی. پی. یو. (G. P. U.))، که بعدها کا. گ. ب. (K. G. B.) جایگزین آن شد) حکم به دستگیری او داد و آنکه دستور اخراج او از روسیه به عنوان عنصر نامطلوب صادر شد. پس به ژاپن بازگردانده نشد؛ و در سال ۱۹۲۴ خبر درگذشتش به ژاپن رسید. پانچ از منابع و گزارش‌ها می‌رساند که یک فعال سوسیالیست ژاپنی، به احتمال سبک کاتایاما، فعالیت‌های او را نزد جی. پی. یو فاش ساخت؛ و در نتیجه سازمان امنیت شوروی او را اعدام کرد. بعدها، در سال ۱۹۹۲، دولت روسیه از او با اعلان بی‌گناهیت کرد.



او با در هنگام سفرش به ایران هنوز به چهل سالگی نرسیده بود؛ و آرزو داشت که گشت و گذار نخستگی ناپذیرش را در گوشه‌های کنار جهان دنبال گیرد و گزارش دیده‌ها و یافته‌هایش را برای مردم سرزمین خود بنویسد. در برابر کمبود منابع آگاه‌کننده در باره احوال زندگی او، جای خوشوقتی است که می‌توانست سربویراستار روزنامه توکیو (نشریه) در مقدمه‌ای که برای این سفرنامه نگاشته معرفی سودمندی از نویسندگان به دست داده، و او با خود نیز در پیش‌سخنش حال و هوای بارآمدن و انگیزه‌اش در انتخاب کار روزنامه‌نگاری و سفر به گوشه و کنار جهان را به روشنی بازگفته است.

از او با کاگه‌آکی جز کتاب معروف او «چهل هزار فرسنگ سفر از شمال تا جنوب جهان» (نانبوگو یوتان ری، نشر سی کیو، توکیو، ۱۹۱۱) که کتاب حاضر ترجمه فارسی بخشی از آن است، مقاله‌های زیر نیز در شرح سفرش

به ایران یا در بررسی احوال کشور ما به ژاپنی منتشر شده است:

- پروشیا یوبی چئونوآجیا کینئون ایپان جوء (تجربه‌های کلی‌ام در باره ایران و آسیای میانه)، در مجله گایکوء جیهوء، دوره ۱۴، سال ۱۹۱۱، شماره ۱۵۸، ص. ۲۸-۱۴.

- پروشیا موندای شین - کیوگومین (جنبه‌های تازه مسئله ایران)، در: مجله گایکوء جیهوء، دوره ۱۹، سال ۱۹۱۱، شماره ۲۲۲، ص. ۲۴-۲۸.



سفرنامه او با هم، مانند سفرنامه یه‌ناگا (مسافر ژاپنی سال ۱۳۱۷ هـ. ق. ۱۸۹۹ م.) اصل به صورت نامه‌های گه‌گاه برای مدیر روزنامه ملت (کوگومین) به ژاپن نوشته شده؛ چنان‌که نویسنده سفرنامه در شرح دریافت روایت و گرفتن سرشبهه و کاردار سفارت ایران در سن پترزبورگ افزوده است: «پس از به انجام رساندن فرموده‌ها در ایران، این سفارش‌نامه را برای تان خواهم فرستاد تا تصویر آن در روزنامه بیاید و ترکیب و نمای خط فارسی به خوانندگان روزنامه معرفی شود.»

نویسنده این سفرنامه در پیش‌سخن احوال کلی ایران آن روز را در صحنه جهانی چنین وصف کرده است:

«در مدت هفت ماه و نیم، مسافت بیست هزار میل در خشکی و بیست هزار میل در دریا را پیمودم؛ و نام این سفرنامه چهار هزار و شصت و یک از شمال تا جنوب است... روز ۱۵ ماه مارس [سال ۱۹۱۰] از پایتخت (تسکیو) روانه شدم؛ و ده روز پیش از زادروز امپراتور به شهر اوساکا، که به پایتخت دریایی یا پایتخت آبی ژاپن معروف است، بازآمدم... از پایتخت شاهنشاهی ایران - کشوری که هزار سال است که به ویرانی افتاده است - گذشتم...»

«بخصوص از پاییز سال گذشته که جنبش انقلابی توفیق یافت و [محمدعلی] شاه را از سلطنت برداشتند... گونه‌ای احساس بیداری در ایرانیان پیدا شده و... در این احوال دید و احساس ایرانی‌ها نسبت به روسیه عوض

شده است. علاوه بر این، آلمان... سال‌های بسیار است که فرصتی می‌جوید تا وضع رقابت در این منطقه را به سود خود تغییر بدهد. پس، فکر می‌کنم که انحصار روس و انگلیس در نفوذ و پایگاه داشتن در شمال و جنوب ایران امروز مربوط به گذشته باشد... و این نگارنده بسیار خوشحال است که در این روزهای رنوشت‌ساز تاریخی به ایران می‌رود.

پیش انقلابی حراست از مشروطه در ایران که میان تابستان و پاییز سال ۱۳۰۹ (۱۳۲۷ ق.) به پیروزی رسید، مهم‌ترین رویداد برای شناسختن احوال کنونی ایران است... در این میان، نیرو و نفوذ ترکیه عثمانی و آلمان و امریکا و فرانسه و حتی سیاست ایران مجال ظهور یافت و پیشرفت کرد... فعالیت آلمان بزرگ در ایران سؤ است که دو قدرت دیرین انگلیس و روس را از میدان بدر کند و تأسیسات فرانسوی را هم از میان بردارد و در سیاست و تجارت ایران یکه‌تاز شود.

«در دستگاه حکومت روسیه، گروه خواستار سیاست سخت در کار ایران توفیقی نیافت. ممالک متحده هم برای نخستین بار به هوای آن افتاده است که جای پای در ایران پیدا کند.»

اوهبا در چند فصل از سفرنامه‌اش، و بخصوص در متبوع پیوست این کتاب، رقابت میان انگلیس و روس از یک سو و آلمان و عثمانی از سوی دیگر را بررسی و تحلیل کرده است. او از یک سو نتیجه گرفته که انگلیس و روسیه با وجود رقابت دائم میان خود در جاهایی مانند ایران و افغانستان در نهایت به تفاهم و تقسیم منافع می‌رسند؛ و از سوی دیگر سیاست روسیه - بخصوص در امر بازرگانی و صادرات - به پشتوانه شناخت بهتر و نزدیک‌تر از احوال مردم و منطقه، غلبه دارد.

این سفرنامه فصلی در شرح قضیه راه‌آهن در ایران دارد (فصل ۲۲: ممالک بزرگ و طرح احداث راه‌آهن در ایران). اوهبا نوشته است که میان ممالک جهان فقط ایران است که با داشتن کوتاه‌ترین خط آهن (میان تهران و

بقعه حضرت عبدالعظیم) بیشترین و پیچیده‌ترین مسائل را در کار راه‌آهن دارد. ممالک و قدرت‌های بزرگ دنیا چهل سال است که موضوع احداث راه‌آهن در ایران را، گسسته و گه‌گاه، دنبال می‌کنند؛ اما این مقصود تاکنون به انجام نرسیده است. «پنج طرح سرمایه‌گذاری اتباع یا دولت‌های روسیه، فرانسه، انگلیس و امریکا همه عقیم ماند؛ اما به حدس و گمان می‌توان گفت که در آینده برای چه مسیرهایی خط‌آهن پیشنهاد یا کشیده خواهد شد.» او انگاه می‌دقت راه‌آه‌نی را که آلمان‌ها به احتمال برای امتداد راه‌آهن بغداد از راه خانقین تا تهران خواهند کشید به دست داده است.

او به بررسی اقتصاد ایران و رقابت ممالک بزرگ گفته است (فصل ۲۵): در وضع تجارت خارجی که دقیق شویم می‌بینیم که روس و انگلیس هر یک با همه نیرو و توان خود سعی در شمال و دیگری در جنوب ایران، در کار توسعه نفوذ خویش است. آلمان تا به برآمده نیز برای گسترش بازار تجارت خود می‌کوشد.

از لحن این سفرنامه و اشارات‌های نویسنده برمی‌آید که او که در نوجوانی‌اش سال‌های بسیار در روسیه می‌گذرانده بود شیفته این سرزمین و مردم آن بوده، و تحلیل‌های او بخصوص در فصل دوم سفرنامه‌اش نشان می‌دهد که هوادار روس یا به اصطلاح ژوسوفیل است؛ و کسانی با آنکه زبان یا تمدن ممالک دیگر اروپا را بر آن برتری می‌نهند ظاهریی را که ما به می‌داند و «غرب‌زده» می‌خوانند. او روسیه را در تقابل با اروپای شمالی می‌بیند و کاردار ایران در سن پترزبورگ پایتخت روسیه را که ترجیح می‌دهد به فرانسه صحبت کند غرب‌زده شناخته است. او با در رفتار چهار جوان ایرانی هم که در سفر دریا به مقصد انزلی همسفرش بودند چنین یافته است که درس‌خوانده‌های فرنگ‌اند که زیب و زیور و چیزهای بی‌ارزش اروپا را گرفته و غرب‌زده شده‌اند (فصل هفتم). این احساس و گرایش بخصوص میان ژاپنی‌ها در این دوره از تاریخ معاصر کمتر دیده می‌شد. احترام و اعتباری که

روس‌ها، صرف‌نظر از سخت‌گیری‌های اداری و مقرراتی، به مسافران ژاپنی در این سال‌های پس از جنگ روس و ژاپن نشان می‌داده‌اند هم شگفتی‌برانگیز است.

نمونه‌ای از احساس هواداری نویسنده از روس را در شرح او از سمرقند می‌توانیم که نوشته است: «امیر تیمور چنان بلندپروازی داشت که ایران بزرگ را تسخیر کرد؛ و [عزم و اراده] مارکوپولو چنان بزرگ بود که این تبعه و نیز را یک‌ه و تمام سرزمین‌ها را تسخیر سمرقند به دوردست ماوراءالنهر رساند؛ و اکنون پنج شش قرن بعد از آن‌ها مردم بزرگ اسلاو این‌جا را جزء قلمرو حکومت خود ساخته‌اند.»

در فصل «پائیز در دریای خزر» نوشته است: «باکو برای نفتش در جهان شهره است...؛ اما کمتر کسی می‌داند که لوله نفت به خط مستقیم این ماده را از باکو، در شرق قفقاز و کنار دریای خزر، به دوردست غرب در باطوم و ساحل دریای سیاه می‌رسانند. روس‌ها با مهارت و زیرکی اقوام گونه‌گون را در امپراتوری خود گردآورده و بر آنها حکومت می‌کنند؛ زیرا که کار و مدیریت‌شان در مقیاس کلان است. بیشتر ژاپنی‌ها برایشان نمی‌گنجید که می‌شود نفت حاصل شده در ایالت نی‌ئی‌گاتا را با کشیدن لوله نفت به توکیو آورد. ژاپنی‌ها نباید فراموش کنند که هنوز چیزهایی هست که باید از مردم روسیه یاد بگیرند.

در پایان سفرنامه وراود هم نوشته است: «عزم و بلندپروازی روسیه بسیار بالا است.»

نویسنده سفرنامه در اشاره به وضع چی‌های، دورگه روسی - ژاپنی که از جوانسالی در ستاد گوروپاتکین سردار نامور روس خدمت می‌کرد و هنگام دیدار او سردبیر روزنامه‌ای است که در تاشکند از سوی اداره فرماندهی کل منتشر می‌شود، گفته است: «حکومت روسیه او را که فردی باکفایت بود در زمان صلح به خدمت گرفت و در زمان جنگ هم در جای مناسب و بایسته از

وجودش استفاده کرد... برعکس، سران نیروی زمینی ژاپن با اینکه در زمان جنگ هرگونه سختی و فشار به مردم روا داشتند، همان که خطر گذشت حقوق خدمت و فداکاری این مردم را از یاد بردند و آنها را به حال خود رها کردند.» در جاهای دیگر هم همت و بلندپروازی روسیه را ستوده، چنان که در رصف راه آهن اُرنبورگ گفته است که چگونه کار احداث آن در هنگامه جنگ بزرگ (روس و ژاپن) هم ادامه پیدا کرد.

★ ★ ★

نویسنده نگار ژاپنی در راه سفر به ایران دیده که نام و آوازه پیشرفت و تجدد در این مملکت نظامی آن در آزمون بزرگش با روسیه چه جلالتی برای او و میهنش در جهان پیدا آورده است: «در اثنای گفت و گو با کنسول خوب احساس کردم که من واقعیت که ژاپنی هستم تا چه اندازه برایم عزت و احترام می آورد و رفتار مستانه دیگران را موجب می شود. در تصور آوردم که پس از رسیدن به ایران هم هر یک که بروم مردم با روی خوش پذیرایم خواهند شد.» (فصل ششم). در جمع ایرانیان هم به ژاپنی بودن خود می بالد: «(در راه انزلی به تهران) شب هنگام که چهارخانه (منجیل؟) منزل گرفته بودم، ... به میان مسافران رفتم... گفتم که روسی هستم و افزودم که با خرج هزینه گزاف و صرف ایام عمر به جایی مثل ایران که شوق آسیا مناسبات چندان ندارد آمده ام تا مملکت شما را ببینم؛ و افزودم که ژاپنی هستم به این گونه تحقیقات که بازده زودرسی ندارد می پردازند، حال آنکه این کار هرگز از چینی ها بر نمی آید.» (فصل ۱۴)

اوبه در شرح سفر خود از رشت به تهران (فصل ۱۱) از سفرهای مکررش به چین در سال های پیش از جنگ روس و ژاپن (۱۹۰۵-۱۹۰۴) یاد آورده؛ و چون مدتی را در سال های نوجوانی در منچوری گذرانده بود، وضع بسیاری جاها را در ایران و روسیه با ناحیه منچوری چین مقایسه کرده است.

★ ★ ★

او در یادداشت‌های راه رشت تا تهران (فصل ۱۲) نوشته است: در این حوالی که زمین حاصلخیز و جنگل فراوان است و شبکه آبیاری هم دارند، تپه‌ها و جنگل‌ها بیشتر رو به ویرانی می‌رود. در جاهایی از این اراضی اثر بیل و شخم و خیش در زمین ندیدم. گویا علت عمده این وضع کاهش جمعیت است زیرا که شماری بسیار از اهالی برای کسب درآمد از ایران می‌روند. این مهاجرت روزافزون نتیجه ظلم و فشار مأموران و کارگزاران دولت و ملاکان است.

در مازندران طبیعت این ایالت و طبع و خوی مردم آن را نیز از تهران و پیرامون آن متفاوت می‌داند (فصل ۲۶): مردم پایتخت و اهالی نواحی شمال غرب خلقی تیره و طایفه‌ای تباها دارند. مردم مازندران در شمال شرق ایران، برعکس، بیشتر گشاده‌رو و مهربان و کاری‌اند.

زیر عنوان «پایتخت مملکت سیروس» و صفی از تهران به دست داده (فصل ۱۶) و گفته است: «باشکوه‌ترین منظر در تهران بازار بزرگ است که در جنوب میدان (توپخانه) جای دارد. این ویژگی‌های شهرهای مسلمانان، مانند استانبول و تهران، است که بازار وسیع و سامان دارد.»

در سخن از زنان ایران (فصل‌های ۱۹ و ۲۰) گفته که به علت چندهمسری مردان، وجود نزاع و آشوب خاطر و ناآرامی و بی‌وگرائی در خانواده، که ژاپن هم در دوره خان‌خانی (پیش از تجدّد) تجربه کرده، طبیعی است. نیز، «استعدادها و توانایی‌های زنان ایران» را ستوده است.

در فصل ۲۱ سفرنامه از دیدار خود از عمارت و جریان کار وزارت امور خارجه یاد کرده و آنگاه شرح کوتاهی در باره روزنامه‌ها نوشته است: «در تهران نه روزنامه منتشر می‌شود. در این میان، سه روزنامه شایسته توجه است: ترقی، ایران نو، و مساوات. این آخری، مترقی‌ترین روزنامه تهران است... اکثر خبرنگارها و روزنامه‌نویسان به گفت‌وگو به زبان فرانسه شوقی دارند؛ و ناراحت شدم که این‌ها را هم غرب‌زده یافتم. آنها همه مردمی سروزبان دارند.»

چنین پیدا است که این مسافر روزنامه‌نگار ژاپنی خط فارسی را جالب و دیدنی یافته، و در شرح دیدارش از وزارت خارجه ایران (فصل ۲۱) گفته است که در اتاق دبیرخانه این‌جا «محرران بر زمین نشسته بودند و با قلم نی کلمه‌های فارسی را که مانند باکتری پیچان و پُرانحنا است بر برگ کاغذ می‌فرشتند.» در رشت هم که از مأمور چاپارخانه خواسته بود که تعرفه کرایه را نشان بدهد، پس از دیدن آن تعجب کرد که «کلمه‌های فارسی ردیف شده کنار هم مانند جرقه و دودی است که از چوب آتش‌بازی دستی بجهه‌ها در شده‌های تابستان می‌جهد و در هوا می‌پیچد.»

حکایت دیگر با منبع و ذوق مردم هرات هم شنیدنی است. در سخن از نواحی همجوار سغایان و سفرنامه وراود نوشته است: در ایستگاه مرو چهار مرد افغان به واگن محله دهم مزار شدند. آنها گفتند که در هرات تجارت جای می‌کنند، و آمدن آنها جای هندوستان را به امارت بخارا بفروشد. آنها چکمه روسی پوشیده و دو نفرشان دستار به سر و دو نفر دیگر کلاه پشمی داشتند. این افغان‌ها روسی را حرف می‌زدند و به انگلیسی هم تکلم می‌کردند. با این چهار بازرگان تا ایستگاه بخارا برسیم و بیش از ده ساعت گفت‌وگو می‌کردم، و از سخن آنها با منبع دلم هرات آشنا شدم. ... معلوم شد که چرا انگلیس دوراندیشانه لشکریا پرشمار از آنکه به کابل و قندهار می‌فرستد در هرات نگه می‌دارد. هرات عمده شهر کشاورزان است؛ پس سربازان محلی این‌جا هم از کشاورزان‌اند و از امور لشکری هیچ نمی‌فهمند. می‌گویند که هراتیان دوست ندارند که سرباز ژنده‌پوش با کلاه پاره و قاب و نقاب شکسته ببینند.



از دشواری‌های کار این ترجمه و نیز دیگر سفرنامه‌های ژاپنی نوشته شده در بیش از یک سده یا چندین دهه پیش، یافتن تلفظ درست نام‌های

کسان و جای‌ها است، که در متن ژاپنی با نشانه نگارشی خط مفهوم‌نگار چینی - ژاپنی (کانجی) یا الفبای هجایی ژاپنی نموده شده، و در هر دو حال به صورتی متفاوت از اصل آن آوانگاری و ضبط شده است. مقابل نام‌ها، بخصوص اسامی جاهایی که در منابع در دسترس یافته نشد و به درستی آن اطمینان نیست علامت ابهام میان دو ابرو (؟) افزوده شد. جاهایی که مطلبی تکراری، غیرمهم، یا نادرست و حاکی از ناآگاهی نویسنده سفرنامه در ترجمه فارسی مقدمه با خط چین نموده شده است.

★ ★ ★

در این سفرنامه هم، مانند دیگر سفرنامه‌های ژاپنیان، مقیاس‌ها و واحدهای سنجش طول و مساحت و ظرفیت و وزن به مقیاس ژاپنی آمده، و نیز بهای چیزها با معادل آن پول ژاپن نوشته یا سنجیده شده است؛ که در ترجمه فارسی در هر مورد معادل تقریبی آن به مقیاس مرسوم در ایران آورده شد. برای خوانندگانی که بخواهند مقدار دقیق این مقیاس‌ها را در دست داشته باشند، جدول برابری آنها در زیر آورده است.

واحد پول ژاپن:	ین (هر ین به ۱۰۰ سِن می‌شده است)		
واحد مسافت (فرسنگ ژاپنی):	ری	برابر	۹۱۶/۲۷۲۷ متر
واحد طول:	چو	برابر	۱۰۹/۰۹۱۰ متر
	جو	"	۳/۰۳۰۳ "
	کِن	"	۱/۸۱۸۱ "
	شاکو	"	۰/۳۰۳۰ "
	سُون	"	۰/۰۳۰۳ "
	بُو	"	۰/۰۰۳۰ "
واحد مساحت: تسوبو (۱ کِن مربع)	برابر		۳/۳۰۵۸ متر مربع
	تان (۳۰۰ تسوبو)		" ۹/۹۱۷۳ آر
	چو (۱۰ تان)		" ۹۹/۱۷۳۵ آر
	ری مربع		۱۵/۲۲۳۵ کیلومتر مربع

واحد ظرفیت:	کوئو (۱۰ توء)	برابر	۱۸۰/۳۹۰۶ لیتر
	توء (۵/بوش)	"	" ۱۸/۰۳۹۱
	شوء	"	" ۱/۸۰۳۹
	گوء	"	" ۰/۱۸۰۴
	سیکی	"	" ۰/۰۱۸۰
واحد وزن:	کوان	"	۳,۷۵۰ گرم
	کین	"	" ۶۰۰
	مویه	"	" ۳/۷۵۰

واحد مساحت روسی، که در سفرنامه‌های ژاپنیان بارها به کار رفت، معادل ۳۹۰۰ قدم یا ۱/۰۶ کیلومتر است؛ و پود (پوت، پوط)، معیاس وزن روسی، معادل ۱۶/۳ کیلوگرم است.

★ ★ ★

از بیست و پنج سال پیش، دست‌ها و روزنامه‌های مسافران ژاپنی که در بیش از یکصد و سی سال گذشته به ایران آمده‌اند به‌تدریج به فارسی برگردانده و برای نشر آماده شده، از این میان دفترهای زیر تاکنون در دسترس خوانندگان نهاده شده است:

* سفرنامه یوشیدا ماساهارو، نخستین فرستاده ژاپن به ایران در دوره قاجار (سال‌های ۸۸-۱۲۸۷ ه. ق. / ۱۸۸۱-۱۸۸۰ م.)، ترجمه و تحقیق هاشم رجب‌زاده با همکاری ی. نی‌ئی یا و کینجی نه‌آورا، بهشتی ۱۳۳۳؛ و ویرایش جدید آن، همان ناشر، ۱۳۹۰.

* یاد تهران؛ خاطرات اوچی‌یاما ایواتارو؛ نخستین فرستاده ژاپن به ایران (مهر ۱۳۰۵ - مهر ۱۳۰۶)، ترجمه هاشم رجب‌زاده، در: ماهنامه کلک، ویژه‌نامه ژاپن، شماره ۶۵ (مرداد ۱۳۷۴)، ص ۳۴۲-۳۰۵.

* سفرنامه و خاطرات آکیو کازاما، نخستین وزیر مختار ژاپن در ایران (۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱ خورشیدی)، ترجمه هاشم رجب‌زاده، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.

* *ایران و من: خاطره‌ها و یادداشت‌های نه ایچی اینووه*، تحقیق و ترجمه هاشم رجب‌زاده، دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، تهران، ۱۳۸۳.

* *سفرنامه، خاطرات ایران، و یادنامه آشی کاگا آتسؤاوجی* (با مقدمه‌ای در باره زندگی و آثار او)، تحقیق و ترجمه هاشم رجب‌زاده، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳.

* *سفرنامه ایران، توروکاوا نوئیوشی* (عضو هیأت نخستین سفارت ژاپن به ایران در مرداد ۱۸۸۱-۱۸۸۰ م.) ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینجی ئەاؤرا، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴.

* *اینووه، ماساجی: سفرنامه در ماوراءالنهر، ایران، و قفقاز* (۱۳۲۰ هـ ق. / ۱۹۰۲ م.)، ترجمه هاشم رجب‌زاده با همکاری کینجی ئەاؤرا، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۹۰.

* *فوکوشیما، یاسوماسا: سفرنامه ایران و قفقاز و ترکستان (تابستان و پاییز ۱۸۹۶ م.)*، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینجی ئەاؤرا، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۹۲.

* *یه‌ناگا، تویوکیچی: سفرنامه یه‌ناگا تویوکیچی در ایران و آذربایجان* (۱۳۱۷ هـ ق. / ۱۸۹۹ م.): ژاپن و تجارت تریاک در پایان قرن نوزده، به‌یوسئو کینجی، یه‌ناگا در باره تریاک ایران، و گزارش سفر و مأموریت گوبوتا شیروء در ایران، هاشم رجب‌زاده و کینجی ئەاؤرا، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۹۲.



تطبیق و تعیین شماری از جاهای نام برده شده در سفرنامه، مانند آبادی‌ها و روستاها یا ایستگاه‌های میان راه، که در نقشه‌های امروزی و در دسترس نیامده، میسر نبوده است. در این موارد و نیز در جاهایی که به ضبط درست نام یا ترجمه صحیح لفظی اطمینان نبود علامت سؤال میان دو ابرو (؟) در برابر آن کلمه یا نام آورده شد.

به روش معمول در سال‌های تألیف این کتاب، نویسنده سفرنامه هر فصل را از آغاز تا پایان بی‌هیچ نشانه‌گذاری یا تفکیک مطالب و موضوع‌ها روی کاغذ آورده، و این نوشته فقط به پاراگراف یا «بند»ها جدا شده است. جز افزودن نشانه‌های نگارشی امروزی، برای چند مطلب و مبحث جداگانه هم لیر فرعی افزوده شد، که این تیرها با نشانه * در بالای آن نموده شده است. توضیح‌های آمده میان دو ابرو در داخل متن، بیشتر حاشیه‌نگاری نویسنده سفرنامه است. و عبارت‌های آورده شده میان دو قلاب یا کروشه [] در ترجمه فارسی افزوده شد.

شرح و توضیح‌های آورده شده در پای صفحه‌ها در ترجمه فارسی افزوده شده است.

★ ★ ★

دسترسی به متن اصلی این سفرنامه هم که بیش از یکصد سال پیش چاپ شده، و گزارش پارسی آن به یاری دوست محقق و همکار دانشمندم آقای کینجی نه‌آورا پژوهنده تاریخ ایران عصر قاجار میسر آمده است، و همکاری پی‌گیر و پُرثمر و عالمانه‌شان را فراموش نمی‌دانم.

در متن اصلی (ژاپنی) این سفرنامه، در بخش ایران، بر روی هم دو نقشه (نقشه ایران با نموده شدن دو منطقه نفوذ توافقی میان انگلیس و روسیه و بخشی از راه‌آهن ماوراء خزر، و نقشه خط آهن سراسری آسیای میانه) و چهارده تصویر از اسناد سفر او و بناها و مناظر چشم‌نیر که او در این سفر دیده چاپ شده است؛ که جز یک تصویر (یکی از دروازه‌های تهران) که بیش از حد تیره بود، همه در ترجمه فارسی آورده شد. شماری از این تصویرها، مانند آنکه محرران وزارت امور خارجه ایران را در حال کار نشان می‌دهد، در سفرنامه‌های دیگر دیدارکنندگان از ایران دیده نشده است.

در این ترجمه، رسم نابجا و املای نادرست نگارش «به‌ی جدا پیش از کلمه و برای تبدیل صفت یا حاصل مصدر به قید (مانند بزودی، بتازگی،

بآرامی) دنبال نشده، و بدرستی «ب» چسبیده در اول این کلمه‌ها آمده است (بزودی، بتازگی، بآرامی). «به» جدا جایی نوشته می‌شود که این کلمه معنی مقصد، جهت، طرف، یا مخاطب دارد (مانند: به جنوب راندن، به گردش رفتن به کسی گفتن، به نازنینی مهرورزیدن)؛ حال آن‌که «ب» در موارد یاد شده کلمه مستقلی نیست و از ادات قیدی است.



چاپ این سفرنامه هم، مانند چند سفرنامه پیشین (سفرنامه ژاپن مهدیقی هدایت - مخبر المصطفی، سفرنامه ایران اینووه ماساجی و سفرنامه یه‌ناگا توئوکیچی در ایران و آذربایجان) با عنایت و همت آقای احمدرضا طهوری مدیر فرهنگ‌دوست و دانش انتشارات طهوری میسر شد که مانند همیشه و همچنان با دقت نظر، نظم، سرعت و احاطه کارشناسانه در همه مراحل ویراستاری و تنظیم کتاب نظارت داشتند. نشر پاکیزه و آراسته این کتاب مترجمان را سپاسگزار مهر خود ساختن و توفیق در انتشار دفترهای دیگر یادداشت‌های ایرانگردی ژاپنیان را در همین سلسله دارد.

هاشم رجب‌زاده

بهمن ماه ۱۳۹۲، اوساکا

مقدمه می‌یا که ستسوریو^۱

در ماه ژانویه سال ۱۹۰۰ کتاب جین بوتسوئوتیو — کان (سیر آفاق و آنفس) نوشته او، با کاکو، م. شر شد، که در آن گفته است: «از ساحل رود آمور (در سیری) تا حوضی بلیسن (در استرالیا) را درنوردیدم. هرچند که این سفر [شرق به غرب] به دنبال نشست و گذار از شمال به جنوب کره زمین، کار و تلاشی است؛ اما شرمناکانه سفرم در سوی غرب فقط تا دریاچه بایکال دنباله پیدا کرد.» او، پیش از آن، کتاب چهل هزار فرسنگ از شمال تا جنوب را انتشار داد، که با اینکه عنوان آن سیر از شرق از شمال تا جنوب کره زمین را می‌رساند، اما از آفاق غرب هم گفتن‌هایی دارد؛ و از این‌رو این اثر شرح درنوردیدن شرق به غرب گیتی هم هست.

کاکو، از دیرباز آرزو داشت که به هر سوی عالم برود و همه جا را ببیند، و عمر را بیهوده و به باطل نگذراند. او تا به مقصود نرسد، از پا نمی‌نشاند؛ و بیم ندارد که خطر کند، و به سخن معروف دست در لانه ببر برد تا بچه ببر را به چنگ آورد یا به کام ازدها برود تا به گوهر افسانه‌ای که در سینه دارد دست یابد.

۱. سر ویراستار روزنامه کوگومین (ملت) که برای سفرنامه‌های متعدد مقدمه نوشته است.

۲. کاکو، نام قلمی او، با است. نام کوچک او کاکه‌آکی است.

نشانه مفهوم نگار چینی - ژاپنی برای «آرزو»، معنی ضبط یا نوشتن هم دارد. در کتاب آداب دوره جوه^۱ می‌خوانیم که [امپراتور] فرمان داد که به هر سوی آفاق بروند و [دیدنی‌ها را] روی کاغذ بیاورند یا «ضبط» کنند. کاکوئه هم شرق آن دارد که به هر سو سیر و سفر کند؛ و از این‌رو شاید که به مصداق فرمان یاد شده در چوئو - لی شرح احوال هرشو و هرگوشه را به قلم بیاورد.

کاکوئه هم در این آن نبود که شرح جغرافیایی عادی و معمول برای خوانندگان بنا بر آداب و معاشران تازه در ژاپن و دنیای خارج پیدا کرد، و پیوسته در احوال جهان بیدیشید؛ با تحمل دشواری‌ها به گوشه و کنار گیتی سفر کرد؛ به دیدن مناظر و انگیز قلم به تحسین طبیعت گرداند؛ با احساس عقب‌ماندگی مردم معزول و رنجور غمخواری نشان داد، و با ابراز همدلی در این جا و آن جا دوستانی گردآورد.

او هنگامی که تازه جلد یکم کتاب سیر آفاق و آنفس را نوشته و انتشار داده بود به سفر چهل هزار میلی شرق آسیا رفت؛ و چون بازآمد به نوشتن جلد دوم سفرنامه نخستین پرداخت؛ و هنوز آن را به پایان نرسانده به جنوب آفریقا و امریکای جنوبی رفت، و از راه دریا و آسیای میانه این سفر چهل هزار میلی به ژاپن بازگشت. کاکوئه با این همه وقت و تلاش که در سیر و سفر به این سو و آن سوی جهان نهاده، کوشنده‌ای نیست که تاریخ و جغرافیای عمومی و ناحیه‌ای دور و غافل مانده و آن را کم‌بها شمرده باشد. کُنفوسیوس چون به کوه شرقی صعود کرد، سرزمین لُو را که وزیر اعظم آن بود ناچیز دید؛ و چون به کوهی بلندتر بالا رفت، جهان را کوچک انگاشت. کتابی با عنوان شونجور (به چینی: چئون - چئین) [در باره تاریخ شرق آسیا، و منسوب به کُنفوسیوس] بازمانده، که در واقع تاریخ شی کی (به چینی: شین - چی)

۱. به ژاپنی: شُورای؛ به چینی: چوئو - لی. سلسله امپراتوری جوه در چین که در سال‌های ۲۲۱ تا ۲۵۵ حکومت داشت.

در سرزمین گو است. کاکوه به سرزمین‌های پهناوری [در اقصای عالم] سفر کرد، و چنین نیست که بخواهد کتاب *سیر آفاق و آنس* را ناتمام بگذارد و به همان جلد نخستین بسنده کند. او مطالب بازمانده را در دنباله این جلد انتشار نداده، اما یقین است که آن را به شیوه و ترتیب دیگری تکمیل و منتشر خواهد کرد.

کتاب *سیر آفاق و آنس* در اصل به صورت پاورقی (مسلل) در روزنامه *ساکا ماینچی* درج شد. اکنون نویسنده این کتاب در همین روزنامه ستون‌های تاریخ و جغرافیای محلی ژاپن را، زیر عنوان «سانئو جین کوگوکی» درج کرده، با نام مستعار یا قلمی [ایسونودا] کوه‌کوه کاکیاگو می‌نویسد؛ و در آنجا نزدیک نخستین مجلد از دوره تاریخ و جغرافیای داستان‌وار معاصر را با عنوان *سین - جین کوگی* منتشر خواهد کرد. به‌طور دقیق نمی‌توان گفت که این کتاب که در خواهد آمد؛ اما ممکن است که کاکوه پس از چندی ستون تاریخی - جغرافیایی خود را در روزنامه *اوساکا ماینچی* به کسی دیگر واگذارد و خود به کار تحقیق و نگارش تازه‌ای بپردازد.

در کتاب *چهل هزار فرسنگ* از *ساکا ماینچی* به جنوب شرح کشورهای به اصطلاح پیشرفته را نیاورده، زیرا که امکان بررسی احوال این سرزمین‌ها - مانند فرصت این گشت و گذار و توان مالی *ساکا ماینچی* - را نداشته است. اگر این امکان فراهم می‌بود، به مشاهده و نقد امساع آنها نیز می‌پرداخت. این نقص و کمبود، جای افسوس دارد؛ اما، در سرزمینم، در بازه این سرزمین‌ها تاکنون نوشته‌ها و ترجمه‌های متعدّد انتشار داده‌اند؛ چرا که کشورهای پیشرفته مانند سرزمین‌های رشد نیافته نیست، و در کار و حال ممالک پیشرفته رویدادهای خطیر در گذشته و امروز، و نیز بیم و امیدها، بسیار است.

نمونه این دو دسته از کشورها (پیشرفته و بازمانده)، به‌طور کلی، دنیای قدیم در نیم‌کره شرقی و دنیای جدید در نیم‌کره غربی بوده؛ و امروزه هم

نیم‌کره شمالی دنیای قدیم و نیم‌کره جنوبی دنیای جدید است. نیم‌کره شرقی با آنکه در دنیای قدیم جای می‌گرفته، بخشی از آن متعلق به نیم‌کره جنوبی است؛ و به این اعتبار، بیش از نیمی از نیم‌کره غربی دنیای جدید است. نیم‌کره غربی هم که در دنیای جدید افتاده، بخشی از آن که در نیم‌کره شمالی گیتی است هم‌اکنون جزئی از دنیای قدیم شده، و فقط بهره‌ای از آن را که در نیم‌کره جنوبی واقع شده است دنیای جدید می‌خوانند. کاکوئ بخصوص در پی آن است که خواننده را با این دنیای جدید آشنا سازد.

اگر امپراتوری ژاپن سی سال پیش وضع و جایگاه امروز را در جهان داشت می‌توانست مرزهای دنیای جدید (ینگی دنیا) بایستد، و در شکل دادن به دنیای نوین سرنوشت‌ساز باشد. اما اکنون وضع دنیا کم و بیش تثبیت شده، و احوال دنیای جدید همانند دنیای قدیم شده [و آمریکا به اروپا رسیده است]؛ و اگر ژاپن به واقعیت اوضاع جهان توجه نکند زیانکار خواهد بود. برای نمونه، در مسئله مهاجرت به استرالیا ژاپن بدون الگوی مهاجرت به جمهوری ناتال (آفریقای جنوبی) را دنبال کرد، که منتهی نشد؛ و ژاپنی‌ها گرفتار وضعی مانند قربانیان تبعیض‌نژادی در آفریقای جنوبی شدند [که در اینجا مهاجران سفیدپوست مردم رنگین‌پوست را پایین‌ترین درجه می‌دانند و خوار می‌شمردن].

[مسئله مهاجرت] در استرالیا و آفریقای جنوبی و آمریکای لاتین نمایان توجه بسیار است. در این نواحی از جهان کشورهایی هستند که مهاجر نمی‌پذیرند. اما فقط موضوع مهاجرت نیست که ژاپن نگران آن است. نفس شناختن اوضاع این سرزمین‌ها یک نیاز مبرم است. کاکوئ پیش‌تر به استرالیا سفر کرد؛ اما در چهل هزار فرسنگ از شرق به غرب در باره این سرزمین نوشت. او در این کتاب به جای شرحی در معرفی استرالیا، وصفی از احوال آسیای میانه دارد. آسیای میانه (ماوراءالنهر قدیم) دیرسال‌ترین جا در دنیای کهن است، و اکنون می‌خواهد تازه‌ترین بخش جهان نوین بشود.

در میان آثار منتشر شده چند کتاب هست که با اینکه فصل و شرحی در بارهٔ کشورهای پیش‌رفته نیاورده، دفتر تمدن سفیدپوستان نام گرفته و شرح معرفی و شناخت قانون تمدن جدید شناخته شده است.

چون کل را دریابیم می‌توانیم از جزئیات بگذریم. از سوی دیگر، کاکوه سفری چهل هزار میلی به انجام رساند و هنوز سرشار از شوق و عزم سفرهای دیگر است. روحیه‌اش را که بنگریم، می‌بینیم که با همهٔ کوچکی سنه، آرزوهای بزرگ در دل دارد. در رگ‌هایش خون همان «اوجی سان»^۱ می‌درد که همهٔ ریزنقشی و کوچکی جثه، در واقعهٔ شورش عدالت‌خواهی و حق‌طلبی معین نقهٔ ایگونو (در ایالت هیو-گو) به شیوهٔ هاراگیری (به معنی شکم پدیدن خود را کشت)^۲.

کاکوه از اعضای گروه ملان ناحیهٔ چوه‌شو^۳ (ایالت یاماگوچی کنونی) است، و از گروه مبارزان ناحیهٔ کاکوشیما کناره می‌گیرد؛ و این رفتار و موضع‌گیری او از روی اتفاق نیست.

پنج ماه پنجم سال ۴۴ میجی (۱۹۱۱م.)

اوجین (می‌یاکه) پیشوریو

۱. اوجی‌سان در ژاپنی خطاب به عمو یا دایی گفته می‌شود (آقامو یا آفادایی)؛ و کاکوشیما مردان آشنا و محبوب خانواده یا گروه یا محله را هم مردم میان خود «اوجی‌سان» می‌نامند.

۲. اشاره است به اعتصاب و قیام معدنکاران ایگونو در برابر حکومت وقت، که در سیاست و تحولات ژاپن اثرگذار بود.

۳. مبارزان دو ایالت چوه‌شو و کاکوشیما، که فعالیت آنها در رویدادهای آخر دورهٔ ادو و احوال سیاسی عصر آغاز تجدد ژاپن در دورهٔ میجی (از سال ۱۸۶۸م.) برای ژاپن سرنوشت‌ساز بود، نخست در دو جبهه بودند؛ اما سرانجام با هم متحد شدند. سخن در این جا اشاره به این است که کاکوه روح اعتدال و میانه‌روی دارد و آزاد فکر است؛ برخلاف مبارزان چوه‌شو که میهن‌پرست افراطی بودند و سر سازگاری با دیگران نداشتند.

قدمه نویسنده سفرنامه

در مدت هفت ماه و نیم، مسافت بیست هزار میل در خشکی و بیست هزار میل در دریا را پیمودم؛ و نام این سفرنامه چهار هزار فرسنگ از شمال تا جنوب است. اما سمت و سوی سفرم فقط از شمال به جنوب نبود. از نیم کره شرقی جهان به کشتی نشستیم و به نیم کره غربی رسیدیم، و سواحل شرقی امریکای جنوبی را پیمودم. میان سفر دریایی من به قناریس اطلس، هنگامی که در ناهارخوری ناو ایگوما با همسفران صحبت می‌داشتم، گفتم: «در توکیو، پایتخت کشورمان، در نیم کره دیگر زمین، در نقطه‌ای در این کشتی (به خط مستقیم که از مرکز کره خاک می‌گذرد) اکنون نیمه شب است و مردم خوابیده‌اند. بدین اعتبار، می‌توان این کتاب را سفرنامه چهار هزار میل از شرق به غرب جهان هم نامید. در این گشت و گذار، به مناطقی سفر کردم که در محدوده‌ای میان ۱۴۰ درجه طول شرقی، موقع جغرافیایی توکیو، و ۶۲/۵ درجه طول غربی در باهیا بلانکا^۱ واقع است. سفرم در قاره‌های آسیا و اروپا بیشتر زمینی بود، و در قاره‌های آفریقا و امریکا دریایی؛ و در این جا در بندرهای بسیار پیاده شدم و شهرها و آبادی‌های ساحلی را دیدم.

روز ۱۵ ماه مارس از پایتخت (توکیو) روانه شدم؛ و ده روز پیش از

1. Bahía Blanca (در آرژانتین)

زادروز امپراتور^۱ به شهر اوساکا، که به پایتخت دریایی یا پایتخت آبی ژاپن معروف است، باز آمدم. در این سفر هفت ماه و نیمه، چهار تابستان دیدم، و ماه مه (اردیبهشت) را در فصل پاییز گذراندم و در ماه سپتامبر (شهریور) در زمستان به سر بردم. به پایتخت‌های انگلیس و فرانسه هم که به اصطلاح مرکز تمدن نژاد سفید است رفتم، و از پایتخت شاهنشاهی ایران - کشوری که هزار^۲ سال است که به ویرانی افتاده است - گذشتم. در بالای برج ایفل پاریس به تفریح رفتم و به خریداری خریدم، و در حومه این شهر - در ناحیه بالارود لاپال^۳ در خانه یکی از اهالی به جای ماهه^۴ مهمان شدم. نیز، با خانم‌های زیبای پاریس در اتوموبیل نشستم و به ورسای^۵ رفتم. در بیابان آسیای میانه، در هوای سوزان و آفتاب، به شترداری که دستار به سر بسته و جامه‌ای بلند پوشیده بود پولی^۶ دادم. برای تفریح و امتحان شترسواری کنم. این تجربه‌ای در سفرم بود، و روزها در ایران در پاریس هم تجربه‌ای دیگر.

بیشتر سال پیش، خوشی در جوها این بود که سفر بکنند. لباسی ساده و کفشی راحت، چند تا گرده برنج^۷ که در بقچه^۸ ژاپنی (قوروشیکی) گذاشته و به کمر بسته بودند، سبکبال و بی‌سنگ را می‌آفتادم و به سویی به گشت و گذار می‌رفتم. فکر می‌کنم که آرزوی دره جوانی بیشتر و بسیار در این گردش‌ها با همسالان در دلم پیدا شد. در آن سال با میان دوستان و معاشرانم یک محصل زبان چینی قدیم بود که اصطلاح‌های عبارت‌های بسیار از این زبان یاد گرفته بود. از او خواستم که برایم نام قلمی معاشر پیدا کند.

۱. میلاد امپراتور موشو هیتو، که بعدها او و دوره پادشاهی‌اش «میچی» نامیده شد، در روز ۳ نوامبر سال ۱۸۵۲ در کیوتو بود.

۲. هزار در اینجا، در اصطلاح ژاپنی، به معنی بسیار و سال‌های زیاد، است.

3. La Plata

4. Mute

۵. Versailles: در ۱۴ کیلومتری جنوب غربی پاریس؛ برای کاخ و کلیساهای باشکوه آن، و نیز در جای موطن چند پادشاه و بسیاری از مشاهیر تاریخ فرانسه معروف است (نفعین، اعلام).

۶. اونیکیری: برنج پخته به اندازه چند لقمه که در قالبی سه گوش یا استوانه‌ای فشرده، و گاه در برگ‌های خنزه دریایی (در ژاپنی: نوری) پیچیده‌اند.

او یادش بود که من بارها به اشتیاق گفته بودم که آرزو دارم که به هر سوی جهان سفر کنم؛ و به این سابقه نام گن هو - دوعجین را، که مراد از آن کسی است که همچون پرندۀ عظیم جثه و ماهی پهن پیکر به دوردست‌ها می‌رود، به من در آنکون فکر می‌کنم که سفر چهل هزار میل از شمال به جنوب ارمغانی است که از گردش‌های سال‌های نوجوانی یافته‌ام. هنگامی که در میانه اقیانوس اطلس در نیم‌کره جنوبی تکه ابری را در آسمان شناور دیدم، بال‌های عظیم هو یا دوعجین را به ذهنم آورد. وقتی دیگر که در روسیه به سوی شمال رفته بودم، در آن پهنه گسترده نقش گن یا ماهی پهن پیکر را مجسم دیدم.

در نام این کتاب‌ها دو کلمه شمال و جنوب را آورده‌ام، زیرا که در این بیست ساله گذشته راه و مسیر سفر در این دو سو بوده است (در این چهارساله اخیر، هر سال به مأموریت از منطقه اوساکا شیمبئون به سفر خارج رفته‌ام). در بهار سال ۴۰ میجی (۱۹۰۷م) به شمال منچوری رفتم؛ از اوایل تابستان تا اواخر پاییز آن سال به نواحی دوردست استرالیا و فیلیپین سفر کردم. در سال ۴۲ میجی (۱۹۰۹م) دیگر بار از راه گن هو منچوری به سیبری سفر کردم، و تا رود آمور پیش رفتم؛ و در سال ۴۳ میجی (۱۹۱۰م) چهل هزار میل راه در سفر پیمودم. در این بهار، از کار در روزنامه اوساکا شیمبئون کناره گرفتم و به کیوتو آمدم. در آغاز تابستان امسال، پنج سال پس از آنکه پایتخت را ترک کردم، سری به توکیو زدم. سرسبزی این شهر را پس از [سن پترزبورگ] پایتخت روسیه در چشمم نمود، و دلم تازه شد.

به تاریخ ماه پنجم سال ۴۴ میجی (۱۹۱۱م).